

# جامعه‌شناسی پول

پول مبحثی است که همواره مورد عنایت جامعه‌شناسی بوده، اما هیچگاه به گونه‌ای خاص به آن پرداخته نشده است. نظریه‌پردازان کلاسیک جامعه‌شناسی هم چون ویر، زیمل و مارکس با مشاهده انقلاب صنعتی و توسعه سریع یکپارچگی بازار ملی، مجذوب پول، به مثابه یکی از عوامل تغییر اجتماعی، گشتند. رشته علاقه جامعه‌شناختی نسبت به پول به دست پارسونز افتاد (۱۹۶۷)؛ پارسونز و اسملسر، (۱۹۵۶) و اخیراً توسط جامعه‌شناسانی نظیر بیکر (۱۹۸۷)، گلمن (۱۹۹۰) و زلیزر (۱۹۸۹) دگر باره احیا گشت. با این همه، هنوز یک جامعه‌شناسی منسجم و سیستماتیک درباره پول وجود ندارد (زلیزر، ۱۹۹۱ ص ۱۳۰۴). این نوشته بر آن است تا مطالب اصلی را که در آثار و نوشتارهای جامعه‌شناختی در باب پول ارائه شده، بیان کند و به علاوه شیوه‌های نوینی را در تحقیق و پژوهش این مقوله مورد بحث قرار دهد. گرچه مبحث پول در جامعه‌شناسی در بسیاری از زیر حوزه‌ها [= Subfields] مورد اشاره قرار گرفته، ما برآنیم مبحثی را بگشاییم که در آن پول به مثابه یک موضوع اصلی، و نه مقوله‌ای فرعی و ضمنی، مورد تجزیه تحلیل جامعه‌شناختی قرار گیرد. در این رابطه ما آثار مورخین اجتماعی، اقتصادشناسان، و مردم‌شناسان اقتصادی که پیشگام طرح مفهومی جامعه‌شناختی از پول بوده‌اند، را نیز مورد ملاحظه قرار خواهیم داد. در آغاز، ما گفتار جامعه‌شناسان در باب پول را با گرایش‌های تخصصی دو گروه دیگر، یعنی اقتصاددانان و مردم‌شناسان مورد مقایسه قرار خواهیم داد. (۱)

این مقایسه مرزهای گسترده‌ای بوجود می‌آورد که به ما امکان می‌دهد جامعه‌شناسی پول را مورد سنجش و بازبینی قرار دهیم. نخست اینکه، جامعه‌شناسان چون اقتصاددانان، تقریباً منحصرأ پولهای مدرن مثل مارک، ین، دلار، پوند، روبل، فرانک و غیره را مورد مطالعه قرار می‌دهند. غالب

جامعه‌شناسان هرگونه وسیله مبادله [Currency]، حواله‌های بانکی [= Cash] و سپرده‌های دیداری [= Demand deposits] را «پول» تلقی نمی‌کنند. اما اقتصاددانان برای پول لیست طولی دارند. آنها دارایی‌های مالی خارجی [Exotic financial assets] را که کم و بیش در حکم حواله‌های بانکی [= Cash] هستند، نظیر توافقه‌های بازخرید یک شبه [Overnight repurchase agreements]، سهام قرضه متقابل بازار پول [Money market]، ام‌ان‌اف‌اس‌اچ [mutual fund shares]، اوراق بهادار بازرگانی [Commercial paper]، پذیرش بانکی [Banker's acceptance]، ضمانت‌های نقدی خزانة‌داری [= Liquid treasury obligations] و حتی اختیار معاملات مالی و معاملات آتی مالی [= Financial futures and options] را در شمار پول قرار می‌دهند. این در حالیست که لیست جامعه‌شناسان فقراتی را دربر می‌گیرد که لیست اقتصاددانان فاقد آنهاست. برای نمونه، گلمن (۱۹۹۰، ص ۱۳۱ - ۱۲۹) منزلت اجتماعی را به مثابه جانشین کارکردی پول در نظر می‌گیرد. مردم‌شناسان اقتصادی، برخلاف جامعه‌شناسان و اقتصاددانان، بیشتر بر پول اولیه [Primitive money] تکیه دارند، کالا یا پولی که در اقتصادهای غیر سرمایه‌داری و غیر بازار پدیدار می‌گردد، نظیر سر دارکوب، خوک، گاو، صدفهای دریایی و دندان سگ (دالتون، ۱۹۶۷؛ هاجن دورن و جانسون، ۱۹۸۶).

پول، چه اولیه و چه مدرن، تنها در زمینه‌ای که در آن قرار می‌گیرد، قابل درک است. پول مدرن و اولیه، مجموعه ویژگیهایش را از سازمان اقتصادی اجتماعی جامعه‌ای اخذ می‌کند که در آن مورد استفاده قرار می‌گیرد. پول مدرن در جوامعی وجود دارد که توسط بازار یکپارچه شده‌اند؛ پول اولیه در جوامع فاقد دولت، غیر سرمایه‌داری و غیربازار وجود دارد. (۲) پول مدرن و بازار آنچنان ارتباط تنگاتنگی با هم یافته‌اند که اصطلاحات «اقتصاد

پولی» [= Money economy]

و «اقتصاد بازار» [= Market economy] اغلب مترادف با هم بکار می‌روند. در واقع، دشوار بتوان بدون رجوع به کاربرد پول در مبادلات بازار، در مورد پول مدرن اندیشه کرد. همچنان که دالتون (۱۹۶۷) عنوان می‌کند، «در اقتصادهایی که برای آنها واژگان پولی به زبان انگلیسی وضع گشته، یک حالت غالب دادوستدی به چشم می‌خورد که تمامی کاربردهای پول به آن ربط پیدا می‌کند و آن مبادلات بازار است» (ص ۲۵۶). بنابراین، هنگامی که جامعه‌شناسان و اقتصاددانان پول را مورد مطالعه قرار می‌دهند، تلویحاً به مطالعه پول در زمینه جوامع سرمایه‌داری یکپارچه شده توسط بازار می‌پردازند. (۳) از باب اختصار، در این نوشتار هر جا که واژه «پول» را بکار می‌بریم، صنعت «در جوامع یکپارچه شده توسط بازار» را حذف خواهیم کرد، ولی باید در همه حال این ارتباط را مدنظر داشت.

دیگر این که، جامعه‌شناسان برخلاف اقتصاددانان نوعاً اقتصاد را تابعی از جامعه در نظر می‌گیرند (برای مثال نگاه کنید به، سودبرگ، ۱۹۹۱؛ و گرانسوتر و سودبرگ، ۱۹۹۲) در باب «جامعه‌شناسی نوین زندگی اقتصادی». اغلب اقتصاددانان (و برخی جامعه‌شناسان) چنین استدلال می‌کنند که گامهای بلندی که در توسعه اقتصادی برداشته شده، اقتصاد را از جامعه جدا ساخته، شکل مستقل و خودمختاری بدان می‌بخشد. چنین تصویری، چه واقع‌بینانه باشد و چه غیرواقع‌بینانه، امکانات عظیمی را پیش رو می‌نهد: عرضه پول اهرم نیرومندی است که بانک مرکزی یک کشور می‌تواند از آن برای منظم ساختن اقتصاد و تأثیر گذاردن بر جامعه بهره جوید. این فرض، اصل اساسی سیاست پولی است. در کنار سیاستهای مالی (مالیات و هزینه‌های عمومی)، کنترل عرضه پول، ایجاد اشتغال کامل، رشد و تثبیت قیمتها را (لااقل در تئوری) ممکن



جامعه‌شناسان این ایده را که اقتصاد به طور مستقل عمل می‌کند، نمی‌پذیرند. برای نمونه، بازار به عنوان یک نهاد اجتماعی مورد ملاحظه قرار می‌گیرد (بیکر، ۱۹۸۴، ۱۹۹۰؛ بیکر و آیر، ۱۹۹۲؛ بورت، ۱۹۸۳، ۱۹۸۸؛ وایت، ۱۹۸۱). همچنان که وایت متذکر می‌گردد (۱۹۸۸)، «حقیقت این است که فعالیت بازار شدیداً اجتماعی است - همانقدر اجتماعی است که شبکه‌های خویشاوندی یا ارتشهای فتودالی اجتماعی‌اند». (ص ۲۳۲). در جهان واقع، فعالین اقتصادی کارگزاران مستقل، آزاد و مجزایی نیستند، بلکه همچنان که گرانووتر (۱۹۸۵) استدلال می‌کند، عمل اقتصادی محصور ساخت اجتماعی است. به این ترتیب، موضع جامعه‌شناسانه بین اقتصاد و مردم‌شناسی قرار می‌گیرد. در یک سو، اقتصاددانان به جدایی کامل اقتصاد و جامعه قائلند و رفتار اقتصادی را بدون توجه به عوامل اجتماعی و فرهنگی مورد تجزیه تحلیل قرار می‌دهند و در سوی دیگر، مردم‌شناسان چنین استدلال می‌کنند که اقتصاد (اولیه) و جامعه چنان درهم تنیده‌اند که عملاً قابل تمیز نیستند. موضع جامعه‌شناسانه که بین این دو دیدگاه قرار می‌گیرد، پول را به عنوان یک متغیر مستقل، نظیر عاملی برای تغییر اجتماعی، یا یک متغیر وابسته، نظیر یکی از پی‌آمدهای ارتباطات اجتماعی یا معانی فرهنگی، می‌پذیرد.

سوم اینکه، گرچه پول آشکال محدودی دارد اما در مفهوم جامعه‌شناسی اش «کاربردها» ی بیشتری دارد. اقتصاددانان تنها بر مجموعه محدودی از ویژگیهای غیرشخصی و خنثی پول که حاصل یکپارچگی بازار است، تأکید می‌ورزند: واسطه مبادله، وسیله پرداخت، ذخیره ارزش، واحد محاسبه و ضابطه‌ای برای پرداخت‌های آتی (دالتون، ۱۹۶۷، ص ۲۵۹ - ۲۵۶).

جامعه‌شناسان گرچه این کاربردهای پول را مورد تصدیق قرار می‌دهند، ولی دامنه بسیار وسیعتری را برای کاربردهای پول مدنظر دارند، به ویژه کاربرد پول به مثابه قدرت یکی از این کاربردهاست. برای نمونه، پارسونز و اسملسر (۱۹۵۶)، متذکر می‌گردند که «پول نمایانگر تعمیم قدرت خرید به کنترل تصمیم به مبادله کالا است... و ایستارها را نمادین می‌سازد» (ص ۷۱). ویر (۱۹۷۸ / ۱۹۲۲) نیز بر کنترل و قدرت در عمل اقتصادی تأکید دارد: «قیمتهای پولی محصول تضاد منافع و مصالح‌اند؛ بنابراین از منظومه‌های قدرت سرچشمه می‌گیرند. پول تنها «یک دستاویز صرف برای کاربردهای عام» نیست که بر اساس خواست و اراده و بدون هیچگونه تأثیر بنیادین بر کاراکتر نظام قیمت به مثابه مبارزه انسان علیه انسان، تغییر پذیرد، بلکه «پول» در این مبارزه عمدتاً یک اسلحه است» (ص ۱۰۸).

پول در بسیاری از حوزه‌های اجتماعی، کاربردها و تعاریف متعددی را به نمایش می‌گذارد. برای نمونه، تحلیل زلیزر (۱۹۸۹) در باب پول خانگی نشان می‌دهد که چگونه درآمد مردان و زنان (مثل «پول برای هزینه‌های اتفاقی» [Pin money]) به گونه‌های بسیار متفاوت تعریف شده و مورد عمل قرار می‌گیرند (همچنین نگاه کنید به آیرز و لامبرتس، ۱۹۸۶). یک دلار از پولی که برای هزینه‌های اتفاقی پس‌انداز شده - گرچه از نظر عددی با یک دلار از حقوق فرد برابر است - به مثابه پول «واقعی» تلقی نمی‌گردد؛ این پول مثل یک هدیه حالت اضافی و تکمیلی دارد و با آزادی کمتری برای منظوره‌های مختلف (مخارج خانه، «تفریحات» [Fun =] و ولخرجی‌های دیگر) خرج می‌شود.

جامعه‌شناسان در حالی که برای پول کاربردهای - اقتصادی و غیراقتصادی - بیشتری قائلند، تأکید می‌ورزند که پول مدرن به شیوه‌های اجتماعی مهم منحصر گشته است. پول به واسطه عینی اجتماعی (ساخت اجتماعی) و طبقه‌بندیهای شناختی و معانی تداعی شونده [Evocative meanings] (فرهنگ) شکل می‌گیرد. زلیزر (۱۹۸۹) استدلال می‌کند که «فرهنگ و ساخت اجتماعی با نهادی کردن نظارتها، محدودیتها و تمایزات در منابع، کاربردها و اشکال تخصیص [پول]، کیفیت و حتی کمیت پول را مشخص می‌سازند» (ص ۳۴۲). پولانی (۱۹۵۷) براساس مفهوم مردم‌شناسانه‌ای پول «با منظور محدود» [Limited purpose money =] مفهوم «پولهای خاص» [Special monies =] را برای سنجش شالوده اجتماعی پول مدرن وضع می‌کند (همچنین نگاه کنید به دوگلاس، ۱۹۶۷).

زبان نمایانگر فرهنگ و ساخت اجتماعی است و حتی یک گفتار کوتاه نشانگر تنوع کاربردهای پول و رابطه این کاربردها با سازمان پنهان جامعه است. (۵)

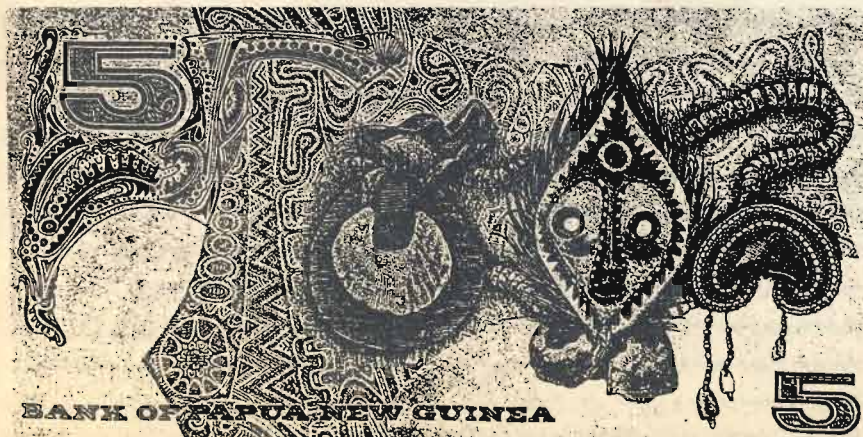
برای لحظه‌ای، روابط، هنجارها و زمینه‌های مختلف اجتماعی را که منابع گوناگون درآمد پولی

چون: حقوق، دستمزد، اجرت، حق التدریس، حق‌الوکاله، کرایه، انعام، منافع، سود سهام، هبه و هدیه را احاطه کرده‌اند، در نظر بگیرید. عملاً در تمام جوامع، پول به واسطه منابع مشخص شده و عنوان می‌گیرد؛ یک ریال از «پول حرام» [Dirty money =] با یک ریال از پول حلال [Clean money] برابر نیست، گرچه ارزش اقتصادی‌شان یکی است (نگاه به دوگلاس، ۱۹۶۷). پولی که از طریق فعالیت‌های خلاف یا غیراخلاقی (مثل قاچاق مواد مخدر، قمار و...) به اجتماع راه یافته، از همان معانی یا اثراتی که پول تحصیل شده از طرق مشروع دارد، برخوردار نیست.

حتی اقتصاددانان نیز مجبور شده‌اند تمایزات زبانی برقرار سازند. اصطلاحاتی چون «ناهنجار» [Abnormal =] و «فراهنجار» [Supranormal =] برای نامیدن سودها و منفعت‌هایی بکار می‌رود که در سایه هنجارهای روا یا ناروا تحصیل شده‌اند. بانک مرکزی ایالات متحده [= Federal Reserve] هزار گاهی مجبور می‌شود، تعاریف خود از مجموعه‌های پولی [Monetary aggregates =] را تغییر دهد (مثل، M-۱، M-۲) تا از این طریق بتواند تغییراتی را که در ساخت اقتصادی اجتماعی حادث شده‌اند، منعکس سازد (بیکر، ۱۹۸۷). اصطلاحات «بازار خاکستری» [Gray market =] و «بازار سیاه» [Black market =] برای متمایز ساختن نهادهای اقتصادی نیمه‌قانونی و غیرقانونی‌بی که عملکردشان کم و بیش شبیه بازارهای مجاز قانونی است، بکار می‌روند. برای مثال، بازار سیاه در وسیله پرداختهای خارجی، در مفهوم کلاسیک اقتصادی آن، عملاً «کارا و مؤثر» است.

### چارچوبی برای جامعه‌شناسی پول

گوناگونی آثار جامعه‌شناسانه در زمینه پول را می‌توان در دو بعد اساسی منظم ساخته و مورد بررسی قرار داد. بُعد نخست دیدگاههای ساختاری و بعد دوم دیدگاههای فرهنگی، که هر یک از این دو دیدگاه در سطح خرد و کلان مورد ملاحظه قرار





می‌گیرد. الگوی نقشها و روابط موضوعات عمده دیدگاه ساختاری هستند. این دیدگاه، در سطح فردی به پول به مثابه یک شی در روابط بین شخص، همچون مبادله و ارتباط، اشاره دارد؛ اما در سطح کلان، زمینه‌های مقرر شده مبادله، همچون مکانیسمهای قانونی و سیاسی حاکم بر تجارت و بازار را دربرمی‌گیرد. دیدگاه فرهنگی بر طبقه‌بندیهای شناختی و معانی تداعی شونده مرتبط با پول تأکید دارد (نگاه کنید به، درباره جنبه‌های فرهنگی کنش اقتصادی، دی ماگیو، ۱۹۸۱). این دیدگاه در سطح خرد، آن دسته از ارزشها، ایستارها و باورهای افراد را که بر رفتارشان در ارتباط با پول تأثیر می‌نهد، شامل می‌شود؛ اما در سطح کلان، دستگاههای معانی و اعتقادی (سیعتری، همچون مذهب و ارزشهای مدنی جامعه، را دربرمی‌گیرد) برای مثال، گلمن، ۱۹۹۰، ص ۱۰-۶.

بند دوم از سویری به پول به مثابه یک علت، کاتالیزور یا تسهیل‌کننده (متغیر مستقل) اشاره دارد و از سوی دیگر به مثابه اثر، پیامد یا نتیجه (متغیر وابسته) به آن می‌نگرد. اقتصاددانان معمولاً به پول به مثابه یک متغیر مستقل می‌نگرند: همچنان که پیشتر گفته شد، عرضه پول اهرم اصلی سیاست پولی است.

جامعه‌شناسان کلاسیک، همچون وبر، زیمل و مارکس، نیز تمایل داشتند که به پول به مثابه یکی از عوامل تغییر اجتماعی بنگرند (تأکیدی که زلیزر، ۱۹۸۸، مورد نقد قرار می‌دهد).

جامعه‌شناسان معاصر این معادله را معکوس ساختند. برای نمونه، در سطح خرد، زلیزر (۱۹۸۹) نشان داد که نقشهای جنسی غالب و تقسیم نامتناسب قدرت در خانواده (متغیرهای مستقل) بر چگونگی تعریف و استفاده از پول خانگی تأثیر می‌نهد (متغیرهای وابسته). در سطح کلان، بیکر در ۱۹۸۷ عنوان کرد که الگوهای تجارت با دارائیهای مالی (متغیر وابسته) توزیع مکتون و ناپیدای روابط قدرت (متغیر مستقل) در بین افراد حقیقی و حقوقی را منعکس می‌سازد.

چارچوب ماکه در جدول ۱ به نمایش درآمده، آثاری را که بیشتر در زمینه جامعه‌شناسی پول به رشته تحریر درآمده، طبقه‌بندی می‌کند. برخی آثار، نظیر فلسفه پول زیمل (۱۹۷۸ / ۱۹۰۷) با بیش از یک طبقه همخوانی دارند. نوشته‌ها و بحثهای پراکنده، همچنان که در بخش‌های مورد بحث قرار خواهیم داد، به فرصتی برای تحقیقات آتی نیازمندند.

### دیدگاههای ساختاری در باب پول

گلمن (۱۹۹۰) در «مبادله پایاپای» چنین نوشت:  
آنچه که اجورت (۱۸۸۱) انطباق دوسویه

خواستها نامید، باید وجود داشته باشد. یعنی، نه تنها A چیزی را که B می‌خواهد دارد، بلکه این نیز درست است که B چیزی را دارد که A می‌خواهد، و هر دو اینها به آنچه که دیگری [C] دارد بیش از آنچه که خود دارند و می‌خواهند در مبادله از دست بدهند، نیاز دارند. این استلزام قوی و محکمی است. به این ترتیب، پول وسیله‌ای است که به واسطه آن، بر ضرورت انطباق دوسویه خواستها غلبه می‌شود (ص ۱۱۹).

نقش پول مدرن در جدا کردن دو نیمه انطباق و همخوانی دوسویه مطرح شده از سوی اجورت، نقطه آغازین دیدگاه ساختاری در باب پول است. پول مدرن داد و ستد را غیرشخصی ساخت و روابط را از چارچوب سنتی خود خارج کرد (برای مثال نگاه کنید به گلمن، ۱۹۷۴، ۱۹۹۰؛ گیدنز، ۱۹۹۰؛ زیمل، ۱۹۰۷، ۱۹۷۸).

مبادله پایاپای، همچون مبادله نیروی کار با غذا یا مبادله اشیاء ارزشمند (پول اولیه) بین قبایل در حال جنگ، نشانگر رابطه خاصی بین طرفین است. پول مدرن، به ویژه در اشکال پیشرفته آن، با امحاء مشکل انطباق دوسویه و انجام معاملات به واسطه طرف سوم، (مثل دلال یا مؤسسه تهاتری: [Clearing house =] اتحادیه بانکها و دلالان در محدوده‌ای معین که وظیفه آن تصفیه و فیصله دعای ناشی از صدور چکها و انواع مختلف اسناد تجاری است، فرهنگ علوم اقتصادی، دکتر منوچهر فرهنگ.) امکان مبادله بودن روابط شخصی را فراهم می‌سازد. غیرشخصی کردن مبادلات سطوح جدیدی از آزادی فردی را در پی دارد. پارسونز (۱۹۶۷) عنوان می‌کند که پول با خود چهار نوع آزادی به ارمغان آورده است: شما آزادید که آنچه را که می‌خواهید، از هر کس که می‌خواهید و هر وقت که می‌خواهید، بخرید و می‌توانید شرایط خرید را

بپذیرید یا نپذیرید (ص ۳۰۷). زیمل (۱۹۰۷ / ۱۹۷۸، فصل ۴) نیز آزادی فردی را مورد تأکید قرار داد، ولی او نیز چون لوین (۱۹۸۵، ص ۲۰۲) متذکر گشت که، «محاسبات غیرشخصی موجود در یک اقتصاد پولی، تمایلات شناختی ناب عاملین را در مقابل تمایلات عاطفی یا احساس آنها برمی‌انگیزد».

گلمن (۱۹۹۰) سه نوع پول را توصیف می‌کند: «پول جنسی [= Commodity money]، که ارزشش را در خود دارد؛ پول اعتباری [Fiduciary money] [=]، که تضمین برای پرداخت است؛ و پول کاغذی بی‌پشتوانه [= Fiat money] که کمتر از چنین تضمینی برخوردار است» (ص ۱۱۹). پول جنسی، از آن روی که دربردارنده ارزش خود است، «ابتدایی» ترین نوع پول است و پول کاغذی بی‌پشتوانه از آن روی که هیچگونه ارزش ذاتی ندارد، «پیشرفته» ترین نوع پول است (همچنین نگاه کنید به زیمل ۱۹۰۷ / ۱۹۷۸، فصل ۲). پول کاغذی بی‌پشتوانه از آن روی پذیرفته می‌شود که قانون خواستار پذیرش آن است («پول رایج قانونی») و ارزش آن بسته به مقدار کالا یا خدماتی است که می‌توان با آن بدانها دست یافت. گلمن (۱۹۹۰) عنوان می‌کند که «جامعه فاقد پول» مرحله تکاملی بعدی است، که در این مرحله یک مرکز مبادله اسناد تجاری الکترونیکی تماس را با اطلاعات مربوط به دیون و اعتبارات حفظ می‌کند. جامعه فاقد پول «تشریفات پرداخت» بین طرفهای معامله (کرامپ، ۱۹۸۱، ۱۹۹۲) و نیاز به اطمینان بین شخصی را دگرگون می‌سازد؛ در این مرحله اطمینان به مکانیسمهای تهاتری غیرشخصی بی‌تعلق می‌گیرد که به مثابه طرفهای امین و مورد اعتماد عمل می‌کنند. جامعه‌شناسانی که به دیدگاه ساختاری تعلق

جدول چارچوبی برای جامعه‌شناسی پول

دیدگاه فرهنگی		دیدگاه ساختاری	
سطح کلان	سطح خرد	سطح کلان	سطح خرد
پول به عنوان متغیر مستقل			
گروتز و اسپلاند (۱۹۹۱)	زیمل (۱۹۰۷ / ۱۹۷۸)	گلمن (۱۹۹۰)	گلمن (۱۹۹۰)
مارکس (۱۸۶۷ / ۱۹۸۴)	تیموس (۱۹۷۱)	زیمل (۱۹۰۷ / ۱۹۷۸)	زیمل (۱۹۰۷ / ۱۹۷۸)
	اسپلاند (۱۹۸۴)	مارکس (۱۸۴۴ / ۱۹۶۴)	بکر (۱۹۸۵)
	میلمان (۱۹۹۱)	۱۸۵۸۵۹ / ۱۹۷۳، ۱۸۶۷ / ۱۹۸۴	
		گانسمان (۱۹۸۸)	
پول به عنوان متغیر وابسته			
شومپتر (۱۹۹۱)	زلیزر (۱۹۸۹)	بیکر (۱۹۸۷)	چیل (۱۹۸۸)
ویشر (۱۹۷۰)	آیروز و لامبرتس (۱۹۸۶)	پاجت (۱۹۸۱)	بکر (۱۹۸۵)
پارسونز (۱۹۶۷)	بیلیبی و بیلبی (۱۹۸۸)	وبر (۱۹۲۲ / ۱۹۷۸)	وبر (۱۹۴۷)
	بورگوین (۱۹۸۸)		
	دوگلاس (۱۹۶۷)		
	نورنتون و فریدمن (۱۹۹۰)		
	کابلو (۱۹۸۴)		



دارند، اغلب از پول به عنوان وسیله‌ای استفاده می‌کنند که ردهای روابط اجتماعی را روشن می‌سازد. برای مثال، هدیه دادن حضور، قدرت و جهت علقه‌های اجتماعی بین افراد و بین گروه‌ها را آشکار می‌سازد (چپل، ۱۹۸۸).

بیکر (۱۹۸۷) این بحث مردم‌شناسی اقتصادی که پول (ابتدایی) نمایانگر ساختار پنهان اجتماعی اقتصادی است، را بسط داد و عنوان کرد که پول مدرن و کاربردهای آن به واسطه ساخت اجتماعی اقتصاد بازار معین می‌گردد. بیکر با تحلیل مشارکت جمعی از طرفهای اقتصادی در بازارهای مالی

### جامعه فاقد پول، مرحله تکاملی بعدی است که در این مرحله یک مرکز مبادله اسناد تجاری الکترونیکی تماس را با اطلاعات مربوط به دیون و اعتبارات حفظ می‌کند.

نشان داد که نهادهای مالی غیربانکی «هسته» ی نظام را تسخیر کرده، دارایی‌های مالی‌بی را که به «پول» بسیار نزدیکند (یعنی ابزار و ادواتی که قابلیت تبدیل آنها به پول بسیار بالاست)، کنترل می‌کنند. قدرت و نفوذ چنین طرفهای «غیردولتی» بی در نظام پولی - آنچه که اقتصادشناسان پولی «تزاخحات بی‌رویه» [Nonpolicy disturbances] = می‌خوانند (بریان، ۱۹۸۰) - می‌تواند روشن سازد که چرا بانک مرکزی نمی‌تواند عرضه پول را کاملاً تحت کنترل داشته باشد.

به نظر مارکس، پول تعاملات اجتماعی را ساختمند و متحول می‌سازد (برای مثال، مارکس ۱۸۴۴/۱۸۴۴، ۱۹۸۴/۱۸۶۷، ۵۹، ۱۹۷۳/۱۸۵۸)؛ پول «یک رابطه اجتماعی تولیدی عینی شده» است (سملت، ۱۹۸۰، ص ۲۰۵؛ همچنین نگاه کنید به بلاک، ۱۹۹۰). گانسمان (۱۹۸۸) در نقد تعریف پارسونز (۱۹۶۷) از پول به عنوان «یک وسیله ارتباطی که به طور نهادین تعمیم یافته» و با زیر سیستم اقتصادی جامعه مرتبط است، این دیدگاه را اختیار می‌کند. (او عنوان می‌کند که پول، آنچنان که پارسونز تصور می‌کرد، یک وسیله اجتماعی بی‌ضرر نیست، بلکه سلاح سیستم اجتماعی است که برای تولید و باز تولید روابط مبتنی بر سلطه اجتماعی و اقتصادی به کار گرفته شده است. (۷)) چنین فحوائی بحثهای نظریه پردازان نظام جهانی (مثل فریدمن، ۱۹۸۸؛ والرشتین، ۱۹۷۹) را به یاد می‌آورد که معتقدند جریان کالاها، خدمات و پول (در اشکال مختلف) ساختار هسته - نیمه پیرامون - پیرامون اقتصاد جهانی را تقویت و باز تولید می‌کند. بسیاری از این بحثها در سطحی نسبتاً انتزاعی انجام گرفته‌اند، ولی بریجر (۱۹۸۱) و

سنايدر و کیک (۱۹۷۹) با تحلیل مستقیم جریانات تجاری بین‌المللی، ساختار هسته - پیرامون نظام جهانی را آشکار ساختند.

### دیدگاههای فرهنگی در باب پول

دیدگاههای فرهنگی تعریف، تفسیر و معنی اجتماعی پول را مدنظر قرار می‌دهند. قضیه اصلی در این دیدگاه این است که فرهنگ معین می‌کند که پول چیست؟ چه چیزی به عنوان پول به کار می‌رود؟ و چگونه به کار رود؟ در دیدگاههای فرهنگی، پول غالباً به عنوان یک متغیر وابسته مدنظر قرار می‌گیرد. دیدگاه فرهنگی برای اقتصاددانان غریب می‌نماید. آنها به تفسیرها، معانی و ویژگیهای فرهنگی بی که مردم بر پول و معاملات پولی تحمیل می‌کنند، به دیده تردید می‌نگرند (برای مثال نگاه کنید به، فین ۱۹۹۲).

به علاوه، آنها نمی‌پذیرند که پول به عنوان یک متغیر وابسته در نظر گرفته شود. البته در این مورد جوزف شومپتر (۱۹۹۱) استثناء قابل ذکر است، که معتقد است پول بخشی از «کل فرایند اجتماعی» است و «بار فرهنگی» آن، استنتاج یک نظریه پولی را برای همه مکانها و زمانها ناممکن می‌سازد (همچنین نگاه کنید به فرانکل، ۱۹۷۷، ۸).

زلیزر (۱۹۸۹) برای نشان دادن این که چگونه پول مدرن توسط فرهنگ تعریف و تجوید می‌گردد، مفهوم «پولهای خاص» را طرح می‌کند. (۹) او پول خانگی [منظور پولی است که توسط اعضاء خانواده تحصیل می‌گردد و پرداختهای خانواده از آن انجام می‌گیرد. م.] را مورد تحلیل قرار داد، اما موضوعی که در باب پول مدرن مطرح می‌کند در تمامی زمینه‌های اجتماعی به کار می‌آید: «عوامل فرا اقتصادی به گونه‌ای نظام‌مند [سیستماتیک] بر موارد زیر تأثیر نهاده و آنها را شکل می‌دهند:

- ۱ - کاربردهای پول، مثلاً کنار گذاشتن پولی برای موارد خاص. ۲ - استفاده کنندگان از پول، تفکیک افراد مختلف برای سروکار داشتن با پولهای خاص؛ ۳ - نظام تخصیص هر پول و یزه؛ ۴ - کنترل پولهای متفاوت؛ ۵ - منابع پول، پیوند دادن منابع متفاوت به کاربردهای متفاوت (ص ۳۵۱).
- این عوامل فرا اقتصادی به وضوح خود را در زمینه خانواده می‌نمایانند، عرصه اجتماعی بی که به گونه‌ای بسیار گسترده از دیدگاه فرهنگی مورد مطالعه قرار گرفته است. برای نمونه، وقتی جوانان و نوجوانان در خارج از خانه پولی تحصیل می‌کنند، آن را برای خود خرج می‌کنند و به ندرت در هزینه‌های خانه سهم می‌شوند (فریدمن و ثورنتون، ۱۹۹۰). کاپلو (۱۹۸۴) در مطالعه خویش در باب رسم دادن هدیه کریسمس در شهر میدل تاون مشاهده کرد که «پول هنگامی که از خویشاوند بزرگتر به خویشاوند کوچکتر داده شود، هدیه مناسب و بجایی است، اما اگر از سوی خویشاوند

کوچکتر به خویشاوند بزرگتر داده شود، نامناسب نامقتضی است و این امر ربطی به ثروت نسبی طرفین ندارد» (ص ۱۳۱۵). میلمان (۱۹۹۱) عنوان کرد که افرادی که تحرک [اجتماعی] رو به بالا دارند ممکن است در تخصص پول به خانواده مشکوک داشته باشند چرا که اینگونه افراد غالباً تحرک [اجتماعی] خود را به واسطه اندوختن پول بدست می‌آورند؛ به علاوه، ورود پول همراه با مرفهت ممکن است مشکلات خانوادگی را تشدید کند.

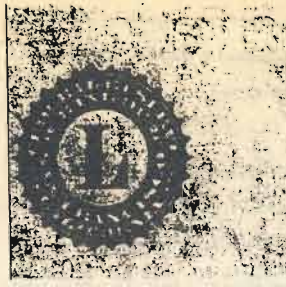
زلیزر (۱۹۸۹) معانی دگرگون شونده پول خانگی در نزد زنان متأهل را بین سالهای ۱۸۷۰ و ۱۹۳۰ در ایالات متحده دنبال کرده نشان داد که چگونه «پول آنها به واسطه آمیزش پیچیده‌ای از باورها درباره زندگی خانوادگی و ساختار در حال تغییر قدرت جنسی و طبقه اجتماعی، به طور مرتب از پول واقعی [Real Money] = کنار گذاشته می‌شد» (ص ۳۶۹ - ۳۶۸). این باورها بر تخصیص پول به خانواده، زمان تخصیص (مثلاً به شکل نامنظم یا منظم) و مقدار پول تخصیص یافته تأثیر می‌نهادند. تحلیل زلیزر مطالعه آیرزو لامیرتس (۱۹۸۶) در باب پول و خانواده در طبقه کارگر شهر لیورپول و همچنین مطالعه بورگون (۱۹۸۸) در باب کنترل پول به وسیله زنان و شوهرانشان همساز است.

### جامعه‌شناسانی که به دیدگاه ساختاری تعلق دارند، اغلب از پول به عنوان وسیله‌ای استفاده می‌کنند که ردهای روابط اجتماعی را روشن می‌سازد. برای مثال هدیه دادن، حضور، قدرت و جهت علقه‌های اجتماعی بین افراد و بین گروه‌ها را آشکار می‌سازد

این ایده که فرهنگ بر پول تأثیر می‌نهد، با این واقعیت که زنانی که در خارج از خانه کار می‌کنند نسبت به مردان، در شغل‌های قابل مقایسه، درآمد کمتری بدست می‌آورند، تأیید و تصدیق می‌گردد. بکر (۱۹۸۵) عنوان کرد که از آن روی به زنان دستمزد کمتری پرداخت می‌شود که آنها تلاش کمتری را در کار به خرج می‌دهند و زنان از آن روی در شغل خود تلاش کمتری می‌کنند که مسئولیتهای خانوادگی بیشتری دارند و به علاوه از بازار سرمایه انسانی کمتری برخوردارند.

اما بیلپی و بیلپی (۱۹۸۸) دریافتند که زنان در مشاغلی کار می‌کنند که تلاش بیشتری را اقتضا دارند. به علاوه، «در مقایسه با مردانی که مسئولیتهای خانگی، بازار سرمایه انسانی، درآمد،





اقتصاد، که با مفروضات اساسی جامعه‌شناسی همساز است، دلالت می‌کند. اما در مقابل، چنین نگرشی نقش پول را به عنوان یکی از علل تغییر اجتماعی زایل می‌کند (برای مثال نگاه کنید به، زیمل، ۱۹۰۷ / ۱۹۷۸، فصول ۱ تا ۳) در مقابل، دیدگاه‌های ساختاری تمایل دارند که پول را به عنوان یک متغیر مستقل - یکی از علل و عوامل تغییر در روابط اجتماعی - در نظر بگیرند، اما از تأثیر ساخت اجتماعی بر پول غفلت می‌کنند (به جز بیکر، ۱۹۸۷ و پاچت، ۱۹۸۱).

ایسنگ آنچه را که باید در تحقیقات و پژوهش‌های آتی در زمینه جامعه‌شناسی پول بدانها دست یافت، متذکر می‌گردیم.

### پولهای جدید

آنچه که اکثر جامعه‌شناسان «پول» می‌دانند با آنچه که افراد حقیقی و حقوقی عملاً به عنوان پول به کار می‌برند، تفاوت‌های زیادی دارد. (تنها استثنا تحلیل معاملات مالی آتی بیکر (۱۹۸۷) است.) جامعه‌شناسان باید کانون توجه خود را نسبت به پول از تعاریف ساده آن همچون وسیله مبادله، حواله‌های بانکی و سپرده‌های دیداری فراتر برند. نیاز فوری احساس می‌شود که نظریه پردازان و پژوهشگران، به ویژه با توجه به ظهور «جامعه فاقد پول» (کلین، ۱۹۹۰)، تماس نزدیکتری را با اعمال اجتماعی روزمره برقرار سازند.

### سازمان مالی

[The organization of finance =] ما با درخواست کلینز (۱۹۷۹) در باب مطالعه جامعه‌شناختی «سازمان مالی» موافقیم. کلینز قلمروهای پژوهشی را به ترتیب زیر بدون ساخته است: پول به عنوان یک وسیله ارتباط بین سازمانی، پیوندهای موجود میان بانکداری و صنعت، تحلیل تطبیقی سازمان مالی در بین دولت و ملتها و یک مدل ساختاری اجتماعی از تورم. کار در این حوزه‌ها آغاز گشته است، همچون مطالعه بیکر (۱۹۹۰) بر روی ۱۵۳۰ شرکت و روابطشان با بانکهای سرمایه‌گذاری، اما ما هنوز درباره سازمان مالی، اطلاعات نسبتاً اندکی داریم (همچنین نگاه کنید به مانتیس و شوارتز، ۱۹۸۵).

### پول سازمانی

#### [Organizational money]

دیدگاه‌های ساختاری و فرهنگی در باب پول قابل حمل به سازمانهای دولتی و تجاری می‌باشند (برای مثال، کروتز و اسپلاند، ۱۹۹۱). برای نمونه، بسیاری از سازمانها از قواعد بوروکراتیک تیپ ایده‌آلی پیروی می‌کنند که تصریح دارند به مادون، کمتر از مافوق پرداخت شود (ویر، ۱۹۴۷)، و برخی تا آنجا پیش می‌روند که نسبت ثابت و

ویر (۱۹۷۰) با این باور که ارزش پول رایج یک کشور ادراکات و استنباطات جمعی درباره قابلیت‌های مردم آن کشور را منعکس می‌سازد، کلاسیک‌ترین سطوح مباحث فرهنگی درباره پول را ارائه کرد. او استدلال خود را با مثالی از آفت و خیزهای پوند انگلستان از ۷۶۰ پس از میلاد تا ۱۹۷۰ توضیح داد. گرچه تحلیل جامع ویر در هر دو دیدگاه ساختاری و فرهنگی جای می‌گیرد، اما تر اصلی او صیغه فرهنگی دارد: باورها و ایستارها درباره پول رایج می‌تواند ارزش آن را تحکیم یا شست کند. عجیب اینکه، اقتصاددانان نیز، هنگامی که از «اعتماد» مصرف‌کننده یا سرمایه‌گذار به پول رایج یک کشور یاد می‌کنند، به یک استدلال فرهنگی در سطح کلان استناد می‌جویند.

### سمت و سوی پژوهش‌های آتی

کلینز در ۱۹۷۹ عنوان کرد که «پول بی‌تردید مهمترین مبحثی است که در جامعه‌شناسی مورد غفلت قرار گرفته است» (ص ۱۹۰). از زمانی که کلینز این جمله را اظهار داشته، شاهد تجدید حیات تمایلات جامعه‌شناختی به پول بوده‌ایم (مثل بیکر، ۱۹۸۷، زلیزر، ۱۹۸۹، ۱۹۹۱)، اما هنوز

**پول، آنچنان که پارسونز تصور می‌کرد، یک وسیله اجتماعی بی‌ضرر نیست، بلکه سلاح سیستم اجتماعی است که برای تولید و باز تولید روابط مبتنی بر سلطه اجتماعی و اقتصادی به کار گرفته شده است.**

فرصتهای فراوانی برای پژوهش‌های جامعه‌شناختی جدید وجود دارد. همچنان که در جدول ۱ به نمایش درآمده، بخش اعظم پژوهش‌های جامعه‌شناختی در باب پول، دیدگاه فرهنگی را درباره پول به عنوان یک متغیر وابسته به کار می‌گیرند.

چنین نگرشی به پول، آن را در نقش تابعی از جامعه قرار می‌دهد و بر تفوق و تقدم فرهنگ بر

رهنمای پیشرفت و مسؤولیتهای شفلی مشابهی دارند. زنان اساساً تلاش بیشتری را به فعالیتهای کاری اختصاص می‌دهند» (ص ۱۰۵۵). از این رو، نابرابری در پول خانگی و پول بازار (حقوق و مستمره) از باورهای غالب درباره نقشهای جنسی نشأت می‌گیرد.

پول خانگی در رویکرد فرهنگی مورد تأیید قرار می‌گیرد، اما این دیدگاه در زمینه بازارها، کسب و کار و دولت نیز نگاه عمیقی بر پول دارد. برای نمونه، دتفرداری دوپل غالباً به عنوان یک روش تکنیکی مدنظر قرار می‌گیرد، اما کروتز و اسپلاند (۱۹۹۱) عنوان کردند که این روش، حتی وقتی نوع کار با این روش دقیق و کامل همخوانی ندارد، به نابه سبیل و نهاد عقلانیت برای مشروع و قانونی کردن فعالیتهای تجاری به کار گرفته می‌شود.

طبقه‌بندیهای شناختی پول (نظیر «پولهای خاص» زلیزر در قلمرو خانه) به خوبی به نلروهای کانونی و مهم [= Heartland] تجارت و حکومت مدرن بسط یافت. چنین طبقه‌بندیهای شناختی در فرایند بودجه‌پردازی کاملاً مشهودند. تعریف و کاربرد مقولات متنوع حسابداری، همچون هزینه‌های ثابت و متغیر، هزینه‌های سرمایه‌ای و عملکردی و هزینه‌های قابل کنترل و غیرقابل کنترل (در حکومت)، سازه‌های اجتماعی هستند که در معرض میزان بالایی از خودرایی [= Urbitrariness] و دستکاری [Manipulation] قرار دارند. «کمبود»های دولتی و فدرال، همچون کمبود «منافع» تجاری، به طرق بسیار متعدد و با ایده‌های اقتصادی و سیاسی کاملاً متفاوت قابل حساسیه و تعریف‌اند.

تعامل فرهنگ و پول در بازارها، در معاملاتی که مورد معامله خون آدمی است، بیش از پیش خود می‌نمایند. خون را می‌توان هم با پرداخت بلفی ایتباع کرد و هم به عنوان هدیه از کسی دریافت کرد. اگر خون خریداری گردد، در واقع در شش یک کالا ظاهر می‌شود و در معرض قوانین بازار قرار می‌گیرد. تیموس (۱۹۷۱)، در مطالعه شهروشن دریافت که کیفیت خون خریداری شده مثابه یک کالا به طور عام از خون هدیه شده پایینتر است. اسپلاند (۱۹۸۴) استدلال کرد که بیوی بودن [Profanity] پول، حریم تقدس خون را شک می‌کند و افرادی که خونشان را می‌فروشند بد داغ ننگ چنین کاری را چاره‌کنند. (۱۰)



انعطاف‌ناپذیری از دریاها را بین سطوح مختلف برقرار می‌سازند. این اصل در برخی از بانکهای سرمایه‌گذاری، آژانسهای تبلیغاتی و مؤسسات قانونی که در آنها افراد «خلاق» و «پولساز» [Rainmaker] (یعنی کسانی که کسب و کار جدید ایجاد می‌کنند) مجازند بیش از مافوقانشان حقوق دریافت کنند، نقض شده است. حوزه‌های دیگر پژوهشهای سازمانی عبارتند از: بازارهای نیروی کار داخلی، بودجه‌پردازی در تجارت و دولت (برای مثال، پاجت، ۱۹۸۱؛ شومپتر، ۱۹۹۱ b)، جامعه‌شناسی آمارهای پولی رسمی (برای مثال، آلونسو و ستار، ۱۹۸۷)، و نقش قیمت‌گذاری انتقالی [= Transfer pricing] (منظور قیمت مورد تمهید یک واحد اقتصادی است هنگامی که یک محصول یا خدمتی را به واحد دیگر تحویل می‌دهد؛ فرهنگ علوم اقتصادی، دکتر منوچهر فرهنگ در روابط بین بخشهای مختلف یک واحد اقتصادی. (برای مثال، اکلز و وایت، ۱۹۸۸).

## نقش شرکت‌های خصوصی در تولید و کنترل پول

بسیاری از جامعه‌شناسان به این تصور قدیمی تمسک می‌جویند که تنها دولت‌ها پول تولید می‌کنند. اما باید توجه داشت که تقریباً تمامی داراییهای مالی بی‌که به تعریف بانک مرکزی ایالات متحده [= Federal Reserve] از مجموعه‌های پولی خود اضافه شده، ساخته و پرداخته بخش خصوصی است (نگاه کنید به بیکر، ۱۹۸۷). برای نمونه، بخشی از بازی رقابتی بین بانکهای سرمایه‌گذاری (بیکر، ۱۹۹۰)، ابتکار فراورده‌های جدید مالی است. نه فقط بانک مرکزی بلکه شرکت‌های خصوصی نیز بر عرضه پول تأثیر می‌نهند. (آنچه که اقتصاددانان «تزاخمت بی‌رویه» [Nonpolicy] [= disturbances] می‌خوانند؛ بریانت، ۱۹۸۰). با توجه به کاهش افراد حقیقی و افزایش افراد حقوقی (کلمن، ۱۹۷۴)، «نقش پولی شرکتها» (گرامپ، ۱۹۸۱، ص ۱۰۴ - ۱۰۱) و فعالیتهای مالی آنها (میزروچی و اشترنز، ۱۹۹۱) می‌تواند قلمرو فعالی برای مطالعه باشد.

## نقش دولت

نقش سنتی مقامات دولتی در سیاست‌سازی پولی، قلمرو مهمی برای بررسی‌های جامعه‌شناختی بوده و خواهد بود (برای مثال، بلاک، ۱۹۹۰؛ وبر، ۱۹۴۷). با این همه، این تمایل می‌تواند به تحلیل سازمانی بانک مرکزی ایالات متحده، کمیسیون اوراق بهادار و مبادله [Securities and Exchange Commission] و دیگر سازمانهای «طرف اعتماد» [Guardians of trust] (= مثال پیرو، ۱۹۸۷)، اثر متقابل بازار و سیاست (برای مثال، لیند بلوم، ۱۹۷۷)، رقابت (و همکاری)

بین نهادهای خصوصی و عمومی در کنترل پول و تجزیه تحلیل عمیقتر تصمیم‌گیری برای بودجه فدرال (برای مثال، پاجت، ۱۹۸۱؛ شومپتر، ۱۹۹۱) گسترش یابد.

اثرات اجتماعی و اقتصادی ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم (جاکوپز، ۱۹۸۴)، همچون ظهور جامعه اقتصادی اروپا به مثابه یک اقتصاد یکی شده با یک پول رایج واحد، کدامند؟ هنگامی که پولی از بین می‌رود، مثل مارک آلمان شرقی و (احتمالاً) روبل روسی، چه اتفاقی می‌افتد؟ اینها و سؤالاتی از این دست، در زمینه نقش دولت و رابطه سیاست با پول قابل بررسی و پژوهش‌اند.

## نقش فرهنگ در عرصه‌هایی جز خانواده

بیشتر مطالبی که، درباره تأثیر فرهنگ بر پول مدرن می‌دانیم به خانواده محدود است (نگاه کنید به جدول ۱). دیدگاه فرهنگی باید در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی دیگری، همچون سازمانهای تجاری مالی و غیرمالی، نهادهای مذهبی،

## یک جامعه‌شناسی پول نظام‌مند و سیستماتیک باید دیدگاههای ساختاری و فرهنگی را در هر دو سطح خرد و کلان در خود جای دهد و بتواند به پول هم به مثابه علت و هم به مثابه معلول بنگرد.

ساختهای قدرت در اجتماعات [= Community] و نظایر آن، نیز پول را مورد پژوهش قرار دهد.

## همگرایی دیدگاههای ساختاری و فرهنگی

و سرانجام، جامعه‌شناسی پول می‌تواند از همگرایی و یکپارچگی دیدگاههای ساختاری و فرهنگی بهره‌مند گردد. برای نمونه، چگونه روابط مبادله بر طبقه‌بندی شناختی پول تأثیر می‌نهند؟ چگونه طبقه‌بندیهای شناختی و معانی تداعی شونده روابط مبادله را شکل می‌دهند و یا موجب استحاله آنها می‌گردند؟

یک جامعه‌شناسی پول نظام‌مند و سیستماتیک باید دیدگاههای ساختاری و فرهنگی را در هر دو سطح خرد و کلان در خود جای دهد و بتواند به پول هم به مثابه علت و هم به مثابه معلول بنگرد

## یادداشتها

۱- به خاطر اختصار و ایجاب، ما در اینجا مقایسه خود را به

اقتصاددانان و مردم‌شناسان محدود می‌سازیم. مقایسه دیدگاههای بسیار دیگری با این مقوله خاص مرتبط نیست. ۲- برخی مردم‌شناسان به پول ابتدایی به مثابه منادی پیشفراول پول مدرن نگاه می‌کنند (مثل آرمسترانگ ۱۹۲۴، ۱۹۲۸)، اما این نظر ارتباط حساس بین ساختن اجتماعی اقتصادی و پول را نادیده می‌گیرد (دالتون ۱۹۶۷). به همین طریق، برخی اقتصاددانان ابزارهای اقتصاد نتوکلاسیک را برای مطالعه پول در فرهنگهای غیرسرمایه‌داری و ماقبل صنعتی در نظر می‌گیرند (مثل هاجن دژن و جانسون، ۱۹۸۶).

۳- پول و بازار پدیده‌های جدیدی نیستند. «مطمئن بازارگاهها» [Market - Places] و وسایل مبادله حداقل تا یونان دوره ارسطو قدمت دارند (دالتون، ۱۹۷۴، ص ۳۶)

آنچه که جدید است این است که هر فرد باید چیزی را به بهای بازار بفروشد تا بتواند مواد لازم برای بقای خود را بدست آورد (دالتون، ۱۹۷۴، ص ۳۸). نتیجه، همچنان که مارکس مسود تأسیس قرار داده، کالا کردن [Commodification] سیمانه کارگر است.

۴- میلتن فریدمن و دیگر پیشگامان رویکرد پولی چنین عنوان می‌کنند که کنترل پول تنها راه منظم ساختن اقتصاد است، در حالی که دیگر اقتصاددانان، از جمله کینز، سیاست مالی را پیشنهاد می‌کنند؛ در آنچه که به سنتز پس از کینز [= Post - Keynesian Synthesis] معروف است، هم سیاست پولی و هم سیاست مالی مهم قلمداد می‌شوند.

۵- اهمیت پول در جامعه مدرن با شماری از واژه‌ها که با «پول» مرتبطند، مورد اشاره قرار گرفته است. برای مثال، فرهنگ اصطلاحات بین‌المللی راجت بیش از ۱۰ صفحه به پول و مقولات مرتبط با آن همچون: دادن، قرض دادن، قرض کردن، خرید، فروش، اوراق بهادار، مسایله و سرمایه‌گذاری، ثروت، اعتبار، بدهی، پرداخت، عدم پرداخت، هزینه، دریافت، حسابها، قیمت، تنزیل و گرانی، اختصاص داده است.

۶- پارسونز (۱۹۶۷) افزون بر زیرسیستم اقتصادی، سیستم اجتماعی را به سه زیرسیستم دیگر تقسیم کرد. «قدرت» یا حکومت (نیل به هدف) و «نفوذ و تأثیر» با قانون و کنترل اجتماعی مرتبط است (وحدت و یکپارچگی) و همچنین «تهدید» یا سرسپردگی به ارزشهای فرهنگی (حفظ الگوی مکتون و ناپیدا) (برای مثال نگاه کنید به، گانسمان، ۱۹۸۸).

۷- زلیزر (۱۹۹۱) بیشتر از این جهت بر پارسونز (۱۹۶۷) خرده می‌گرفت که وی قایل بود که پول معنی‌نهادینی بیرون از زیرسیستم اقتصادی ندارد.

۸- نوشته‌های شومپتر در باب پول اخیراً توسط سودبرگ (۱۹۹۱) مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته‌اند.

۹- گرچه تحلیل زلیزر (۱۹۸۹) درباره پول خانگی بر طبقه‌بندیهای فرهنگی تأکید دارد، وی نیاز به همگرایی و وحدت رویکردهای فرهنگی و ساختاری را متذکر گشته است (نگاه کنید به زلیزر، ۱۹۸۸، ۱۹۹۱، زیر چاپ).

۱۰- استحاله آن دنیایی به این دنیایی به واسطه پول، موضوع غالبی در آراء مارکس است.